داستان نویسان پاسخ می دهند استقبال مردم از داستان های جنگ چگونه است؟

اسدیان، لیلا

دقیقا نمی‏توانم بگویم استقبال خوانندگان چگونه است.اما می‏دانم هر اثر خوبی(که خود خوب هم تعریف دارد)جایگاه خودش‏ را باز می‏کند و مورد استقبال قرارمی‏گیرد و روی زمین نمی‏ماند. اگرچه یک بخشی از آثار ادبی جنگ و به طور کلی کتاب‏های جنگ، خوانندگان فراگیری نداردو خوانندگان آثار جنگ شمار پی‏جو و پی‏گیری نیستند.دلایل آن هم فراوان است.ازجمله این‏که در داستان جنگ بر حسب زمان،ریخت،موضوع،محتوا،جهت،جان‏مایه‏ و تمام آن چیزهایی که یک اثر را برحسب مخاطب فراگیر می‏کند، کم دیده‏می‏شود و یا کم پرداخته‏می‏شود.دیگر این‏که زندگی با همهء ملحقاتش و اجزایش در آثار ادبی جنگ کمتر دیده‏می‏شود و این‏ها موجب شدند که خوانندگان آثار جنگ کم بشوند.به نظر من‏ آن قالب ادبی و ژانر ادبی که در مورد جنگ حرف اول را می‏زند، داستان است.اخیرا جریان داستان‏نویسی جنگ یک مسیر رو به‏ پیشرفت داشته است.توجه هوشمندانه از جانب داستان‏نویسان انجام‏ می‏گیرد.ادبیات داستانی جنگ و داستان جنگ به‏طور فراگیر می‏توند نقش جدی و اثر ماندگاری در ادبیات روزگار ما داشته‏باشد.همچنان‏ که خود جنگ به‏طور فراگیر می‏تواند و شایسته است که در ادبیات‏ داستانی این عهد و به‏طورکلی ادبیات روزگار ما یک تأثیر و جایگاه‏ قابل توجه داشته‏باشد.فرق است بین ادبیات جنگ و ادبیات دفاع‏ مقدس.این‏ها را بعضی‏ها ممکن است جای هم استفاده‏کنند.

اکبر خلیلی

معمولا رمان‏های جنگ مسأله‏ای است که در اثر جنگ به وجود می‏آید.و اتفاقاتی است که در برخورد ناگهانی جامعه با یک حادثهء غیرمتقربه و مقابله با ناملایمات جنگ خانمان‏سوز،ویرانی و خرابی‏ و از بین رفتن نسل جوان،مرگ و نا بودی سرمایه‏هاست.اما بهترین‏ رمان‏های جهان،رمان‏های جنگی آن‏هاست.به این خاطر که‏ جامعهء خود را مطرح می‏کنند و حقایق مطرح می‏شود.مثل جنگ‏ و صلح تولستوی،بربادرفتهء مارگریت میچل.اما آن‏طور که می‏دانم‏ و می‏بینم رمان‏ها و داستان خوب جنگی را مردم می‏خوانند و استقبال‏ می‏کنند.اما در این وسط سیاست‏هایی اعمال می‏شود مثل عدم‏ تبلیغات و عدم ارائهء کتاب خوب به جامعه و سیاست‏های بستهء وزارت ارشاد و در ضمن موج‏های تبلیغاتی برعلیه رمان‏های جنگی‏ وجوددارد که اغلب ما کاروان‏های شادی‏بخش را به عنوان مقابله‏ با مطالعهء جوانان در جامعه می‏بینیم.و دلیل این که تصور می‏شود رمان‏های جنگی خوانده‏نمی‏شود یا کمتر خوانده‏می‏شود،بیشتر همین است که عرض شد.ما آن‏قدر که سمینار برای کتاب‏های‏ دیگر داریم برای کتاب‏های جنگ نداریم.

2Lداوود امیریان

جنگ چه خوب چه بد جزئی از زندگی گذشته و حال و شاید آیندهء مردم ما شده است.نفس جنگ به خودی خود مشمئزکننده‏ و تأسف‏آور است.فکر این که در کنار خانواده باشی و به یک‏باره‏ توسط بمباران هوایی و یا یورش دشمن خانواده را از دست بدهی‏ تکان‏دهنده است.

اما دفاع از ناموس و کیان بعضی از مسائل را حل می‏کند که‏ یکی از آن‏ها همین جنگیدن است.جنگ ما چه بخواهیم شعار بدهیم و یا پافشاری کنیم و علیه آن موضع بگیریم،یک دفاع‏ بوده است.دشمن به ما حمله کرد ما وظیفهء میهنی‏مان بود که پوزهء دشمن را به خاک بمالیم.

و اما این که چرا مردم،از کتاب‏های جنگ یا همان دفاع‏مقدس‏ استقبال می‏کنند یا نمی‏کنند به بحث مفصلی نیاز دارد که در این‏ مجال کوتاه جای آن نیست.اما در چند جمله نظر بنده این است‏ که به علت نگاه نادرستی که به دفاع مردم ما شده،خوانندگان در برابر اکثر داستان‏ها و فیلم‏ها واکنش منفی نشان می‏دهند.چون ما هنوز نتوانسته‏ایم آن حس وحال وطن‏پرستی را در کتاب‏هایمان‏ بیاوریم.مذهب و پرستش خدا در فطرت ما ایرانی‏هاست.وقتی ما فقط بر وجههء مذهبی بودن جنگمان تکیه کنیم و از وطن‏پرستی‏ در کارهایمان نشانه‏ای نباشد این واقعهء زمانی را به یک جنگ‏ ایدئولوژی تبدیل کرده‏ایم. البته نباید از آن سوی بام افتاد.رزمندگان‏ ما با عشق به اسلام و خدا توانستند از میهن دفاع کنند.اما نـ بود عرق وطن‏پرستی و زندگی در اکثر داستان‏ها این معضل را پدید آورده است.بسیجی و رزمنده یک کماندوی عضلانی و رمبو نـ بوده‏ است.ماشین کشتار نـ بوده است که از عشق و زندگی بی‏خبر باشد. همچنین باباطاهر عریان هم نـ بوده است که فقط عارف باشد و قدسی.نه او هم مثل من و شما بوده است.عاشق می‏شده است. تشکیل خانواده می‏داده و خانواده و دوستانش را دوست می‏داشته‏ و به خاطر همین علایق به جنگ رفته تا دشمن آنها را نا بود نکند.

نـ بود طنز و خوش‏طبعی که اگر سراغ بگیرید در وجود رزمنده‏های‏ ما بوده به داستان‏های ما لطمهء جبران‏ناپذیری زده است.ان‏شاء الله‏ داستان‏های ما به سرنوشت فیلم‏های جنگی ما دچار نشود که دیگر بیننده‏ای ندارد و به حال زار افتاده است.با دمیدن روح زندگی در داستان‏های جنگی می‏شود با مردم آشتی کرد.چیزی که یک اثر را جاودانه می‏کند بودن عشق،نفرت،زندگی،مرگ،مبارزه،شکست‏ و پیروزی است.

رضا امیرخوانی

فکرمی کنم معضل عدم استقبال از کتاب‏های جنگ مشکل‏ خاص و انحصاری کتاب‏های جنگ نیست.این معضلی است که‏ مبتلا به کل جریان کتابخوانی کشور ماست.کتاب‏های جنگ دو دسته خواننده دارند.خوانندهء دستهء اول کسانی هستند که بیش از ادبیات به خود دفاع‏مقدس علاقه‏مند هستند.

در مورد ادبیات دفاع‏مقدس باید از چاپ آخرین خاطرات راجع‏ به دفاع‏مقدس زمانی بگذرد تا ادبیات دفاع‏مقدس جای خود را باز کند.الان وقت نوشتن در مورد ادبیات دفاع‏مقدس است زمان‏ خواندن آن،سال‏ها بعد است.

راضیه تجار

خوشبختانه چه در ایام دفاع‏مقدس و چه بعد از آن داستان‏هایی‏ که با موضوع و مضمون جنگ ارائه‏شده جای خود را باز کرد. رویکرد خوانندگان نسبت به این‏گونه آثار مثبت بوده است.در ابتدا داستان‏ها بیشتر جوششی بود،اما بعدها نوع نگاه تازه‏تر شد و پرداخت‏ها بسامان‏تر و از شعاری‏نویسی کاسته‏شد.

در مجموع فکرمی کنم باید در این زمینه نوآوری بیشتر شود و طوری به بیان حقایق پرداخته‏شود که سهم تخیل و توان نویسنده‏ در پرداخت کم نباشد.طوری که خوانندگان با علاقهء بیشتر این‏ ارتباط را حفظ نمایند.

اسکن‏ 2Lجهانگیر خسروشاهی

داستان‏های جنگی آن‏طور که باید مورد مهر هدایت‏کننده‏های‏ توزیع و تبلیغی واقع نشده است.آن‏جور اقبالی که در مورد خود جنگ شده بود،یعنی‏سازمان‏هایی رزمنده‏ها را آموزش داده،تجهیز می‏کردند و به جبهه می‏فرستادند و آمادهء مقابله با دشمن می‏کردند. این‏سازمان‏ها خودجوش و از خود مردم و از دل جامعه بودند.در مورد داستان جنگ گلایه دارم از بزرگان و کسانی که مسؤول‏ انعکاس آن حماسهء شگرف و معنویات مربوط به آن هستند.این‏ گلایه همچنین به ناشران و توزیع‏کنندگان کتاب نیز برمی‏گردد. به‏هرحال از مخاطبین داستان جنگ گلایه‏ای نیست،اشکال از خود ماست.در بعضی موارد هم با آثار جنگ تبعیض‏آمیز و رفیق‏بازانه‏ برخوردشده است و این در ریزش مخاطبین داستان جنگ سهم‏ دارد.در مورد رسیدگی به مشکلات و مسائل نویسندگان ادبیات‏ داستانی جنگ نیز کوتاهی شده است.